

<div><div> </div></div>	<div><div> </div></div>
<p>ویژگی خواستگار و داماد خوب</p>	
<p>عن امیرالمؤمنین(ع) عن رسول الله علیه‌السلام: اذا تاکم من ترضون دینه و امانته فروجوه.^(۱)</p> <p>«امیرالمؤمنین(ع) از قول پیامبر(ص) نقل می‌کنند که فرمود: هرگاه شخصی به خواستگاری بیاید و از دین او و امانتداری او راضی هستید، پس با او وصلت کنید و خواسته او را اجابت کنید.»</p> <p>اذا تاکم من ترضون دینه و امانته فروجوه؛(امیرالمؤمنین(ع) از قبول پیامبر(ص) می‌فرماید: اگر آن کسی که از دین او و از امانت او خرسند و راضی هستید، به خواستگاری آمد، اجابت کنید و آن کسی که مورد خواستگاری است- دخترتان را یا خواهرتان را- به او بدهید؛ معیار این است: «ترضون دینه و امانته». این البته واجب نیست که اگر کسی خلاف این عمل کرد، بگوییم فعل خلاف شرعی انجام داده نه، این دارد یک معیار به دست می‌دهد یعنی آن چیزی که در مورد ازدواج، در درجه اول اهمیت است که باید ملاک باشد و چیزهای دیگر در جنب او اهمیت ندارد، عبارت است از دین و امانت؛ ثروت ملاک نیست؛ جاه و موقعیت دنیایی ملاک نیست که این پسر کیست، یا پسر فلائی است، دارای فلان مقام است، فلان اندازه درآمد دارد، مثلا فرض کنید اتومبیل دارد، خانه دارد، موبایل دارد مثلا- حالاها این هم اضافه شده- اینها ملاک نیست. ملاک این است که دارای دین باشد و امانت، زندگی هم معمولاً با همین معیار دین و امانت، زندگی سالمی خواهد شد؛ غالباً این جور است. البته بعضی از افراد متدین را هم داریم که دینشان و امانتشان خوب است، (اما) خیلی بدخلافتند؛ این هم خیلی بد است. می‌شنوم گاهی بعضی از آدمهای مؤمن را و حزب‌اللهی را که رفتارشان با همسرانشان و در داخل خانواده رفتار بسیار بدی است. این به حسب معیارهای ظاهری، دین دارد اما به حسب معیارهای واقعی، دینش هم سست است. از قول مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری نقل می‌کنند که یک وقتی یک طلبه‌ای یک عمل بدی در همین زمینه‌های مسائل خانوادگی انجام داده بود؛ مرحوم حاج شیخ اوقاتش تلخ شد؛ به حاج شیخ گفتند آقا! ایشان مرد عادل است؛ فرمود بله، عادل است اما از شمر هم بدتر است!-حالا گاهی اوقات انسان به حسب ظواهر، عادل هم هست اما رفتارش از شمر هم گاهی بدتر است. غرض، معیار، دینداری است؛ اگر دینداری را به معنای اوسع خودش بگیریم، شامل اخلاق و رفتار خانوادگی هم می‌شود.</p>	
۱- نوادر راوندی، ص ۱۱۲	
* شرح حدیث در ابتدای درس خارج. ۱۳۸۳/۱/۱۱ به نقل از کتاب نسیم	

با خورشید انقلاب (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

واکنش رهبرانقلاب به اهدای بن و کتاب به فرزندانشان

به مناسبت برپایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، به برخی مسئولان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی بن کتاب به مبلغ ۵۰۰ هزار تومان داده شده بود. یکی از فرزندان ایشان که در جواز استفاده از این بن‌ها دچار تردید شده بود، از حضرت آقا سؤال می‌کند و ایشان پاسخ می‌دهند: «استفاده نکنید و به طلب دیگر بدهید.»

همچنین در جریان بازدید برخی فرزندان حضرت آقا از نمایشگاه کتاب برخی ناشران دولتی کتابهایی را به اصرار زیاد اهدا کرده بودند. این مسئله نیز از ایشان سؤال شد و ایشان فرمودند:پولش را حساب کنید و به بیت‌المال برگردانید.

راوی: مهدی فضائلی، مشرق نیوز، ۲۴اردیبهشت ۱۳۸۸، کد خبر ۹۵۸۷۷۷، به نقل ازصفحه اینستاگرام نگار رسانه

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

تجسس در تلفن همراه همسر

س) اگر کسی گوشی همسرش را چک کند و پیام‌هایی را که با خانم‌ها و آقایان داشته بخواند، شرعا اشکال دارد؟

ج) بدون اذن و رضایت ایشان جایز نیست.

حکم اذآن و اقامه تلویزیون

س) در رساله‌های عملیه گفته شده: «کسی که اذآن و اقامه دیگری را شنید، چه با او گفته باشد یا نه، در صورتی که بین اذآن و اقامه و نمازی که می‌خواهد بخواند زیاد فاصله نشده باشد، می‌تواند برای نماز خود اذآن و اقامه نگوید.» اگر از تلویزیون یا رادیو بشنود هم این حکم جاری است؟

ج) اگر مستقیم پخش شود، حکم مذکور را دارد.

حقوق فرهنگیان

س) با توجه به اینکه فرهنگیان به جز ایام تعطیلات رسمی در ایامی مانند عید نوروز و تابستان نیز تعطیل می‌باشند؛ حکم حقوقی عد نکرده‌اند می‌گیرند چیست؟

ج) دریافت حقوق طبق قوانین و مقررات مربوط اشکال ندارد.

اعتکاف مسافر

س) من علاقه زیادی دارم که در مراسم اعتکاف در مرکز استان شرکت کنم ولی چون در شهرستان زندگی می‌کنم و اگر بخواهم به مرکز استان بروم باید نماز خود را شکسته بخوانم، آیا از این نظر مشکلی نخواهم داشت؟

ج) کسی که بخواهد در سفر معتکف شود، می‌تواند در وطن نذر کند که در سفر روزه مستحبی بگیرد و در این صورت می‌تواند در سفر معتکف شود.

هدایا و عیدی ارباب رجوع به کارمندان

س) هدایایی که بعضی از افراد یا شرکت‌ها به کارمندان دولت در زمان عید نوروز به عنوان عیدی می‌دهند و هیچ‌گونه توقعی در برابر پرداخت آن ندارند، چه حکمی دارد؟

ج) هدیه در محیط کار و از جانب ارباب رجوع، یکی از خطرناک‌ترین چیزها است و هر چه بیشتر از آن اجتناب کنید، به صرفه دنیا و آخرت شما خواهد بود. فقط در یک صورت، دریافت آن جایز است و آن، این است که هدیه دهنده، با اصرار زیاد و با امتناع مأمور از قبول، بالاخره به نحوی آن را اهداء کند. آن هم بعد از انجام کار و بدون مذاکره و حتی توقع قبلی.

شکر به معنای سپاس دارای اقسامی چون زبانی و قلبی و نیز نسبت به خدا، یا خلق است. براساس آموزه‌های قرآن نسبت بسیار زیادی میان ایمان و شکر وجود دارد، به طوری که می‌توان گفت که اصطلاح قرآنی ایمان در بر دانه شکر است؛ زیرا خدا در قرآن، نسبت کفر و ایمان را با شکر و کفران پیوسته است. نویسنده در این مطلب بر آن است تا با مراجعه به آموزه‌های اسلام، درباره فرهنگ تشکر در روابط اجتماعی، مسائلی را تبیین کند.

فرهنگ تشکر در اسلام

مجتبی محمدخانی

است. از همین رو خدا انسان‌ها را به دو دسته اصلی شاکر معنای ایمان است؛ چنانکه کفران به معنای کفر(اعتقادی است؛ زیرا شکر تنها محدود به شکر از نعمت نیست، که در برابر کفران نعمت قرار می‌گیرد، بلکه شکر و کفران می‌تواند به حوزه اعتقادی باز گردد؛ چرا که شاخص شکر، شناخت خلق منعم و پذیرش خالقیت و الوهیت و ربوبیت اوست. از همین رو در تعریف شکر، آن را شناخت احسان و نشر آن دانسته‌اند(لسان‌العرب، ج ۷، ص ۱۷۰، «شکر»)

هر چند که برخی گفته‌اند که شکر نعمت همان تصوّر نعمت و اظهار آن است.(مفردات الفاظ قرآن کریم، راجع اصطفهانی، ص ۴۶۱، «شکر»)

بی‌گمان هیچ نعمتی بزرگ‌تر از خلقت انسان نیست،

که انسان را از عدم به هستی آورده است. انسان در برابر

آنچه از آموزه‌های اسلام درباره شکر و تشکر به دست می‌آید

اینکه انسان مومن می‌بایست در برخوردهای اجتماعی اهل تشکر باشد؛ زیرا آثار و برکات چندی دارد که یکی از مهم‌ترین آثار آن اینکه عامل ایجاد محبت و تحکیم روابط است. همچنین داشتن حالت و روحیه «سپاسگزاری» و «قدردانی» و «حق شناسی» نسبت به مردم، نشانه ایمان و باور و اعتقاد محکم به خدا و سپاسگزاری و شکر در برابر اوست.

معارف Maaref@Kayhan.ir

نزیاد صورت بگیرد؛ چنانکه امام سجاد(ع) می‌فرماید: *أما حقّ ذی‌المعروف علیک فإنّ تشکره و تذکر معروفه، و تکسبه العقلة السننه و تخلّص له العلاء فیما ینبک و بین الله عزوجلّ، فإذا فعلت ذلك کنت قد شکرته سزا و علائفه، ثم ان قدرّت علی مکارهاته یوما کافیه؛ حق کسی که به تو نیکی کرده ، این است که از او تشکر و کنسی و نیکی‌اش را به زبان آوری و از وی به خوبی یاد کنی و میان خود و خدای عزوجل برایش خالصانه دعا کنی و میان خود و خدای عزوجل برایش خالصانه دعا کنی و میان خود و خدای عزوجل برایش خالصانه دعا کنی و میان خود و خدای عزوجل برایش خالصانه دعا کنی*

دوسویه فراهم می‌آید؛ زیرا نفس چنین افرادی نفس مطمئن به ایمان و شکر است(فجر، آیات ۲۷ و ۲۸)، همچنین تشکر از دیگران نیز موجب رضایت دو سویه و وفاداری نسبت به همدیگر بوده و انسجام و ارتباط اجتماعی میان امت استام را افزایش می‌دهد. در تأثیر شکر اجتماعی و تشکر می‌بایست به تغییر حالت و رهایی از مشکلات ارتباطی میان افراد و رفع کدورت‌ها اشاره کرد؛ چنانکه امام علی(ع) می‌فرماید: *شکرک للشاطخ علیک یوجب لک منهُ ضاحا و تطعفا؛ سپاسگزاربُرات از کسی که از تو ناخشنود است، سبب رفع ناراحتی و مهربانی او نسبت به تو می‌شود.(تصنیف غرالحکم و دررالکم ص ۲۸۰، ج۶۱۹۸)*

از نظر آموزه‌های قرآن، سطح رفتاری عدالت در قالب جامعه را می‌توان در سه سطح رفتاری عدالت در قالب مقابله به مثل، احسان و اکرام دسته‌بندی کرد. از نظر امام علی(ع) که مقابله به مثل می‌کند، در حقیقت رفتار جبرانی در سطح عدالت داشته است؛ اما کسی که تشکر می‌کند، در حقیقت در مقام احسان یا اکرام نشسته و در سطح عالی‌تر انسانی قرار داده از این رو ایشان می‌فرماید: *من صنع یمثل ما صنع إلیه فلنما کافاه و من أضعفه کأن شکره؛ هر کس در برابر خوبی ای که به او شده همانند آن را انجام دهد آن را تلاقی کرده است و اگر بیشتر از آن خوبی کند، سپاسگزاری کرده است.*(کافی، ط-الاسلامیه، ج ۴، ص ۲۸، ح ۱)

اسام صادق(ع) فرمود: *لَعَنَ اللهُ قاطِعِی سُسْبَلِ المَعروف قیل و ما قاطعوا سُسْبَلِ المَعروف؛ قال: الرَّجُل یضع إلیه المَعروف فیکفره، فیمتنع ضاحیه من أن یصنّع ذلک إلی غیره؛ خدا لعنت کند راهزنان نیکی را. سؤال شد راهزنان نیکی چه کسانی هستند؟ فرمودند: کسی که به او نیکی شود و او ناسپاسی کند، در نتیجه نیگوکار را از نیکی به دیگران باز دارد.(کافی، الاسلامیه، ج ۴، ص ۳۳، ح ۱)*

از نظر قرآن، شکر نعمت، هم نعمت را افزایش می‌دهد و هم بر سعه وجودی و شرح صدر انسان می‌افزاید و شرایط درونی و بیرونی شاکر را افزایش



می‌دهد. در حقیقت شکر نعمت پیش از اینکه تشکر از دیگری باشد، تشکر از خود و بهره مند شدن خویش از وضعیتی بهتر و برتر است؛ چنانکه خدا می‌فرماید: *وَأَذِ تَأَذَّنْ رَبِّکمْ لَئِن شَکَرْتُمْ لَأَزیدَنَّکُمْ وَلَئِن کُفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدید؛ و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعا سپاسگزاری کنید شما را افزون خواهد کرد و اگر ناسپاسی نمایند قطعا عذاب من سخت خواهد بود.* (ابراهیم، آیه ۷) به در جای دیگری می‌فرماید هرکس تشکر کند در واقع برای خودش تشکر کرده است. (نمل/ ۴۰)

خدا غنی بالذات است و هیچ نیازی به شکر و تشکر کسی ندارد؛ از این رو خدا در آیات قرآن، تأثیرشکرگزاری تو را به خوبی کردن بی رغبت سازد، زیرا کسی که از

از نظر قرآن، شکر نعمت، هم نعمت را افزایش می‌دهد و هم بر سعه وجودی و شرح صدر انسان می‌افزاید و شرایط درونی و بیرونی شاکر را افزایش می‌دهد. در حقیقت شکر نعمت پیش از اینکه تشکر از دیگری باشد، تشکر از خود و بهره مند شدن خویش از وضعیتی بهتر و برتر است.

انسان نسبت به خدا و نعمت‌هایش را به خودشان باز می‌گرداند(همان) و بصراحت درباره عدم نیاز خویش نسبت به شکر و تشکر می‌فرماید: *وقال موسى إن تكفروا أنتم ومن فی الأرض جميعا فإن الله لعن قبیح؛ موسی گفت: اگر شما و هر که در روی زمین است همگی کافر شوید بی گمان خدا بی نیاز ستوده صفات است.* (ابراهیم، آیه ۸)

چنانکه گفته شد میان کفر و کفران و شکر و ایمان ارتباط تنگاتنگی است؛ از همین‌رو در قالب احتیاج در آیات ۷ و ۸ سوره ابراهیم، شکر با ایمان و کفر با کفران آمیخته است. بنابراین، نیازی دیده نشده است که در مقام تقابل واژه کفران به کار رود، بلکه کفر اعتقادی مطرح می‌شود تا دانسته شود که همان طوری که شکر نمادی از ایمان است، کفران نیز نمادی از کفر است. پس خدا در این آیات، در قالب تقابل تشکر را در برابر کفر قرار می‌دهد تا بیان کند که همواره شکر با ایمان همراه است، چنانکه کفران با کفر همراه است. پس شاکر مومن است؛ چنانکه کفران‌دهای اجتماعی اهل تشکر باشد؛ زیرا آثار و برکات

به هر حال از آیات قرآن به دست می‌آید که شکر و تشکر تأثیراتی که دارد نخست در خود انسان است، از همین‌رو امیرمومنان علی(ع) نیز به این حقیقت‌اشاره کرده و می‌فرماید: *إن مکرمه ضمنها إلی أحد من الناس از خود و هر مرد، نشانه ایمان و باور و اعتقاد محکم به خدا و سپاسگزاری و شکر در برابر اوست. چنانکه گفته شد همواره سپاس و تشکر، در مقابل «نعمت» است. نعمت و احسان به ما مستقیما از سوی خدا به ما می‌رسد، اما باید گمان خدا واسطه خیرند و نیکی در دست آنها جاری می‌شود و ما از نیگوکارها و پاریها و مساعدت‌های مردم بهره مند می‌شویم و «نعمت الهی» از این طریق شامل ما می‌گردد.*

همچنین معلوم شد که «شکر خدا» با «سپاس از مردم» منفاتی ندارد؛ زیرا حتی گاهی شکر الهی در سایه تقدیر و شکر و حق شناسی از مردم متحقق می‌پذیرد و خداوند به این گونه سپاسگزارها رها است، بلکه، نسبت به آن دستور می‌دهد. اصولا شکرگزاری نسبت به خدا و خلق موجب می‌شود تا شخص جزو شاکرین باشد و خدا خود پاداش خاصی برای آنان فراهم آورده است: *«مَنْسَجِدْهُ إلی السَّکَرین؛* خداوند به تحقیق پاداش سپاسگزاران را می‌دهد.(ال عمران، آیه ۱۱۴)

صفحه ۸ شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۸ ۱۰ ذی‌القعده ۱۴۲۰ -شماره ۲۲۲۳۱



از کسانی نباشید که دیگران را دعوت به خیر می‌کنند اما از خود غافلند

قال‌النبی(ص): «یا ابن مسعود! لا تكونن ممن یهدی الناس الی الخیر و یامرهم بالخیر، و هو غافل عنه، یقول الله تعالی، اتا مرون الناس بالبیر و تنسون انفسکم»

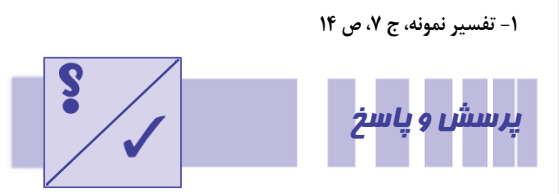
پیامبر گرامی(ص) فرمود: ای پسر مسعود! (مواظب باش که) از کسانی نباشی که مردم را به سوسی خیر هدایت می‌کنند، و آنان را به نیکی دستور می‌دهند در حالی که خود از آن خیر غافل هستند. خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: *ایا مردم را به نیکی امر و خودتان را فراموش می‌کنید.»^(۱)*



تشبیه بلعم باعورا به سگ

قرآن مجید، نکوهیده‌ترین تعبیر را نسبت به عالمان بی عمل به کار برده، در یک جا او را به «سگ» تشبیه کرده در سوره اعراف آیه ۱۷۶ می‌فرماید: «فمثله کمثل الکلب ان تحمل علیه بلهث او تترک بهلن»؛ مثل او مثل سگ است که اگر به او حمله کنی، زبان از دهان درآورد (و پارس کند) و اگر رهایش کنی باز، چنین کند»

در تفسیر این آیه آورده‌اند: «از بسیاری از روایات و کلمات مفسران استفاده می‌شود که منظور از این شخص، مردی به نام «بلعم باعورا» بوده است که در عصر موسی علیه‌السلام زندگی می‌کرد و از دانشمندان و علمای مشهور بنی‌اسرائیل محسوب می‌شود و حتی موسی علیه‌السلام از وجود او به عنوان یک مبلغ میروند استفاده می‌کرد و کارش در این راه آن قدر بالا گرفت که داعیای در پیشگاه خدا به اجابت می‌رسید. ولی بر اثر تمایل به فرعون و وعده و وعیدهای او، از راه حق منحرف شد و همه مقامات خود را از دست داد تا آنجا که در صف مخالفان موسی علیه‌السلام قرار گرفت.»^(۱)



توصیف قرآنی عالمان بی‌عمل(۳)

پرسش:

قرآن کریم چه توصیف و تبیینی برای عالمان بی‌عمل بکار برده و مصداق آن را چگونه معرفی می‌کند؟

پاسخ:

در دو بخش قبلی پاسخ به این سوال به دیدگاه قرآن درباره عالمان بی‌عمل شامل: ۱- تشبیه عالمان بی‌عمل به حمار و کلب ۲- جایگاه و اهمیت ربانیون، احبار و ویژگی‌های احبار پرداختیم. اینک در ادامه دنباله مطالب را بی می‌گیریم.

۲- عدم التزام عملی به احکام تورات

انان از احکام تورات سرپیچی می‌کردند و بر پایه امیال و هوای نفسانی خویش آن را نادیده گرفته و به دست فراموشی می‌سپردند. (مانده آیه ۴۱ و نیز بقره آیه ۱۰۱) از جمله سرپیچی‌هایی ایشان که در تاریخ گزارش شده است مسئله عدم اجرای قوانین و احکام و حدود الهی نسبت به‌شراف و بزرگان قوم بود. آنان نسبت به مردم عادی سخت گیری می‌کردند و همه حدود و تعزیرات در درباره آنان اعمال می‌کردند و به هیچ وجه کوتاه نمی‌آمدند ولی درباره‌اشراف همان حدود را نادیده گرفته و از اجرای آن سر باز می‌زدند. چنان که در مسئله نژای محصنه دو تن از اشراف آنان برخلاف حکم تورات عمل کردند و نمی‌خواستند زناکار را سنگسار کنند. (جامع‌البیان مع ۴ ج ۳ و ۳۱۵ و مجمع‌البیان ج ۳ ص ۲۹۹)

۳- عدم حقایق و مستحایب

کتمان حقایق و مستحایب از دیگر کارهایی است که احبار در پیش گرفته بودند. آنان بخش‌هایی از تورات را که به نفع و سود ایشان نبوده یا به نظر آنان بخش‌هایی از تورات که ضروری نمی‌دانستند را کتمان می‌کردند و بر مردم نمی‌خواندند. (انعام آیه ۹۱) حتی برخی از احبار یهودی برای دست یابی به منافع زودگذر دنیوی منکر نزول هر گونه کتاب از سوی خداوند شده و نوشته‌های تورات را به حضرت موسی(ع) نسبت می‌دادند. از جمله مالک بن صفیه یهودی بود که منکر نزول هر گونه کتاب استماعی بود و قرآن در آیه پیش گفته به این مسئله اشاره دارد. (مجمع البیان ج ۴ ص ۵۱۵)

۴- ویژگی‌های دیگر

نادیده گرفتن بشارت‌های تورات (بقره آیه ۱۰۱) و تضعیف کتاب الله و ترک امر به معروف و نهی از منکر (مانده آیه ۶۳) سخن دروغ و کفرگویی و رشوه‌خواری و حرام‌خواری و ربا از دیگر کارهایی بود که ایشان بدان گرفتار شده بودند. (همان)

انسان اموال مردم را مصادره می‌کردند و خود از آن استفاده می‌نمودند. مسئله رشوه‌گیری ایشان در آیه ۲۴ سوره بقره و نیز آیه ۷۵ سوره بقره و آیات دیگر بیان شده است. به نظر می‌رسد آثانی که در مقام قضاوت و داوری و یا اجرای احکام و حدود نشسته بودند به این کار اقدام می‌کردند و با تغییر احکام و حدود و یا تساهل در اجرای حدود درآمدهای ناشرسوعی را کسب می‌کردند. عده ای از مفسران بر این باورند که احبار یهودی با گرفتن جوهاتی از گناهکاران برای بخشش گناهان یا یا فروش نوشته‌های مبتنی بر مغفرت می‌کوشیدند تا درآمدی داشته باشند.



کسی که با دروغ و نفاق رضایت مردم را جلب کند، مشروعیت الهی ندارد

(بدان ای سالک راه خدا) این‌ابی‌یعقوب که از اصحاب امام صادق(ع) است روایتی مفصل از آن حضرت نقل می‌کند می‌گوید: شنیدم که امام صادق(ع) می‌فرمود: خداوند در بخشی از مناجات‌هایی که موسی(ع) با ایشان داشت، به او خطاب کرد و فرمود: هیچ وقت نسبت به کسی که مردم از او اظهار رضایت می‌کنند، غیظه نخور! اصلا جای غیظه خوردن ندارد.(بنابراین) هیچ وقت نباید مشخص شود آیا خدا از او راضی است یا نه؟ چون معیار، رضایت مردم نیست، بلکه رضایت الهی است. اگر دیدیم که خدا از او راضی است و همه مردم را از او رضی هستند، خیلی عالی است، اما اگر دیدیم رضایت مردم هست ولی رضای الهی نیست، اصلا جای غیظه خوردن ندارد.(بنابراین) هیچ وقت نباید به حال کسی که با بازیگری توانسته به مقایه برسد، غیظه خورد، چون او کسی است که توانسته با دروغ و نفاق، عده‌ای از مردم را فریب داده، رضایت آنها را به خود جلب کند. ^(۱)

۱-رسائل‌بندی(احب به دنیا)، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی، ص ۲۲۴

صفحه معارف روزهای شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۳۹۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱

Maaref@kayhan.ir